

## نظر کارشناس ارشد حقوقی اتحادیه اروپا

### نسبت به موافقتنامه ژنو

امیر فیض- حقوقدان

حضور خودسرانه اینجانب در جریان موافقتنامه ۱+۵ ژنو، ترصدی راسبب شد تا نسبت به اظهار نظرهای حقوقی که به موافقتنامه ژنو تخصیص یافته علاقمندکسب فیض کردم.

میتوان گفت تا حد مقدور، در جریان اظهارنظرهایی که نسبت به موقعیت حقوقی موافقتنامه ژنو شده است قرار گرفته ام که در بین آنها اظهار نظر آقای بلالی که کارشناس ارشد حقوقی اتحادیه اروپا معرفی شده بمناسبت دستاورد حقوقی خاصی که ابراز شده و شخصیت ابرازکننده ارجح و اصلح است که در مقام شناخت و اظهار نظر اصلاحی قرار گیرد.

### نظر کارشناس حقوقی اتحادیه اروپا

نظر کارشناس حقوقی محترم اتحادیه اروپا به اختصار، موارد زیر را شامل است:

۱- از آنجاکه جمهوری اسلامی عهد نامه ۱۹۶۹ را امضا نکرده است و از آنجا که جمهوری اسلامی یکی از کشورهای امضاکننده موافقتنامه ژنو است لذا این بدان معناست که جمهوری اسلامی به این موافقتنامه پایبند نیست.

۲- ایران بعنوان طرف اصلی موافقتنامه ژنو امضا کننده معاهده وین در سال ۱۹۶۹ نیست و عضویت خود را در آن معاهده بتصویب مجلس نرسانده بنابراین نمیتوان موافقت نامه ژنو را مطابق عهدنامه وین نسبت به ایران که عهدنامه وین را امضا نکرده الزام آور شناخت.

۳- نظریه اینکه در توافق نامه ژنو ضمانت اجرایی دیده نمیشود که بخواهد از نظر حقوقی الزام آور باشد، لذا توافقی است موقت که تنها ضمانت اجرای آن حسن نیت طرفین است. بهمین دلیل هم کنگره آمریکا و هم مجلس ایران طرحهایی را تهیه کرده اند تا در صورت عدم موفقیت و شکست احتمالی توافق ژنو و تخطی طرف مقابل، اقداماتی را انجام دهند از جمله تحریم های بیشتر توسط کنگره و الزام دولت ایران به غنی سازی ۶۰ درصدی توسط مجلس.

۴- دلیل اینکه توافق ژنو یک عهدنامه نیست این است که اولاً فاقد ضمانت اجراست و ثانیاً به تصویب مجلس ایران نرسیده

۵- اصولاً نیت کشورهای امضاکننده علی الخصوص ایران بر این است که توافق ژنو یک توافق موقت و غیرالزام آور باشد.

۶- از آنجا که کشورهای ذینفع در این سند تعهداتی داده اند، میتوان این سند را فقط از نظر لغوی معاهده خواند، اما نمیتوان آنرا معاهده بین المللی مطابق بامعاهده وین ۱۹۶۹ دانست.

۷- اتحادیه اروپا کشوریست که بتواند طرف تعهد و موافقت نامه ژنو قرار گیرد، لذا از آنجا که موافقتنامه ژنو تعهداتی برای اتحادیه اروپا ایجاد کرده است که آن تعهدات، اتحادیه را در حوزه

معاهده وین سال ۱۹۸۶ قرار میدهد، موافقتنامه، بااین مشکل مواجه است که عهدنامه بین المللی ۱۹۸۶ هیچگاه به اجرا درنیامده است.

و درپایان نتیجه گرفته اند:

این سند با این وجود که یک معاهده الزام آورنیست یک قدم مثبت درمسیرحل مسالمت آمیزمناقشه هسته ای ایران خواهد بود.

### ضعف در اظهار نظر

ضعف در اظهار نظر کارشناس حقوقی اتحادیه اروپا در این است که قائل به تفاوت بین قراردادها و همچنین عهدنامه های بین المللی عمومی نشده است.

در کنوانسیون وین تعریفی اینچنینی از معاهده بین المللی ارائه شده است:

معاهدات بین المللی به توافقی اطلاق میشود که مورد موافقت و امضای تابعین حقوق بین الملل قرار گرفته، بصورت کتبی تنظیم و بوسیله مقامات صالحه قانونگزاری کشورها تصویب شده باشد. این نوع معاهدات مشمول قواعد حقوق بین الملل میباشد.

بنابراین ارکان لازم برای اینکه عهدنامه ای بین المللی شناخته شود باید اولاً موضوع آن جنبه بین المللی و عام باشد و دوم اینکه شمول آن متوجه تابعین حقوق بین الملل که امروز میتوان گفت اعضای سازمان ملل است، باشد، سوم با تصویب قوه قانونگزاری کشورها مقامی مقدم بر قوانین داخلی کشور خواهد یافت و اجرائیات این نوع عهدنامه ها هم طبق قواعد حقوق بین الملل حل و فصل خواهد شد.

عهدنامه وین بتاریخ ۱۹۶۹ مربوط به عهدنامه های بین المللی عمومی است؛ مانند عهدنامه رفتار با اسرای جنگی و یا استعمال سلاح های متعارف و غیره که اگر کشوری عهدنامه وین را امضا نکرده باشد ملزم به رعایت عهدنامه های بین المللی عمومی نیست.

کارشناس محترم اتحادیه جایگاه موافقتنامه ژنو را بعلت اینکه در امضای آن چند کشور وجود داشته اند عنوان بین المللی یافته به حساب عهدنامه بین المللی گذاشته و لذا به عهدنامه وین متمسک شده اند در حالیکه موافقت نامه ژنو یک قرارداد خصوصی و محدود است و ابدا موضع عهدنامه بین المللی را ندارد که نیازی به تطبیق آن با عهدنامه بین المللی وین (۱۹۶۹) باشد.

شاید توضیح زیر بتواند قضیه را روشنتر سازد:

عهدنامه های بین المللی تابع حقوق بین الملل است و حقوق بین المللی مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر جامعه بین المللی حاکم است. و مجموعه قواعد و مقررات بین المللی هم یک سلسله قواعد حقوقی است که بصورت عرف بین المللی بر جامعه حقوقی کشورهای عضو جامعه بین المللی حکومت حقوقی دارد.

و باز به کلامی دیگر، حقوق بین الملل که عهدنامه های بین المللی از بارزه های آن میباشد شامل موازین اصولی است که تنها و انحصاراً موازینی را شامل است که با سرنوشت حقوقی کشورها ارتباط پیدا میکند.

## غرض از تصدیقات بالا

غرض از توضیحات بالا توجه به این نکته دقیق و لازم است که هر قراردادی که بین دوویا چند کشور منعقد میشود عهدنامه بین المللی محسوب نمیشود و ملاحظه موضوع آن و موضع و تسری آن به کشورهای عضو جامعه جهانی است که وجه تمایز آن عهدنامه را از حالت عمومی خارج و یا داخل میسازد.

قراردادی که بین چند کشور هم مرز برای استفاده از آب مشترک امضا میکنند درست است که چون چند کشور در آن مشارکت دارند عنوان عهدنامه و یا قرارداد بین المللی را خواهد یافت ولی ارتباطی با عهدنامه بین المللی عمومی نخواهد داشت.

امید وارم مختصر توضیح بالا بتواند رفع اشکال از ردیف های اول و دوم نظرات آقای کارشناس کرده باشد.

## الزام آور نبودن موافقتنامه

استدلال و تمسک ردیف سوم کارشناس محترم، نشانی از کم توجهی ایشان به متن توافقنامه است؛ چرا که توافقنامه بسیار دقیق ضمانت اجرای متعهد که ایران است را تعیین کرده و در مورد تعهد متقابل ۱+۵ هم گرچه تعادلی نه بین تعهدات جمهوری اسلامی و نه ضمانت اجرا وجود دارد معهدا الزامات تعهدات طرفین کاملا روشن است.

از آن گذشته فقدان ضمانت اجرا از موارد بطلان و بی اعتبار شدن قراردادها نیست و به همین دلیل هم حقوق مدنی و هم حقوق بین الملل، مرجع صالح برای تعیین ضمانت اجرای اراکه دادگاه لاهه است پیش بینی کرده است.

بنابراین استدلال کارشناس محترم به اینکه ضمانت اجرای موافقتنامه حسن نیت طرفین است بکل باطل است.

حسن نیت در قراردادها معطوف به صداقت داشتن و عدم سوء استفاده از ملاحظات خاص است و بین آن و ضمانت اجرای قراردادها هیچ فصل مشترکی وجود ندارد؛ حیرانم از این برداشت کارشناس محترم.

## توافق موقت بر پایه حسن نیت

کارشناس محترم خواسته است با چسباندن واژه موقت به موافقتنامه اعتبار حقوقی و اجرایی آنرا زائل سازد.

پرفسور شارل رسو در کتاب حقوق بین الملل عمومی خودش میگوید:

واژه هائی که با اصطلاحات حقوقی مختلفی مانند کنوانسیون - پیمان - پیمان نامه - موافقت نامه - توافق نامه - تفاهم نامه - عهدنامه - قرارداد بین المللی - توافق تکمیلی - قرار موقت - بیانییه - تبادل یادداشت - منشور و غیره بکار گرفته میشوند بدون کوچکترین تفاوتی برای یک عمل حقوقی از اعتبار همانندی برخوردار بوده و همه آنها در صورت وجود تعهد، الزام آور است.

درتائید نظریه حقوقی آقای رسو دیوان دادگستری لاهه گفته است:

حوازه ها درتیین خصوصیت والزامی بودن یک قرارداد ویا موافقت نامه وغیره نقش تعیین کننده ای ندارد< درجای دیگری هم گفته است: >هنوع توافقی بین تابعان حقوق بین الملل عمومی راباید تعهد نامید<.

بنابراین ادعای موافقت نامه موقت ازسوی آقای کارشناس محترم ویا ادعای ظریف وزیرخارجه جمهوری اسلامی به اینکه؛ <درژنو یک تفاهم نامه امضا شده نه موافقت نامه> بی اعتباروباطله است.

### دلایل منفک از ادعا

دلیل آقای کارشناس مبنی براینکه خواست کنگره آمریکا به افزایش تحریم ها وتصویب لایحه غنی سازی ۶۰ درصدی مجلس ایران، ازتعلقات وتبعات همان موقتی بودن موافقت نامه است بی ارزش است زیرا وقتی ادعا وارد نبود دلیل، منفک از ادعاست.

### تصویب مجلس

دلیل دیگری که آقای کارشناس برای اینکه توافقی ژنو یک عهدنامه نیست ارائه داده این است که توافقتنامه به تصویب مجلس نرسیده است.

نه حقوق بین الملل ونه قانون اساسی جمهوری اسلامی ضرب الاجلی برای تصویب موافقتنامه ویا قرارداد بین کشورها قائل نشده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی دردو اصل، به مسئله تصویب قرارداد ها وموافقتنامه های بین دولت جمهوری اسلامی با کشورهای خارج پرداخته است یکی دراصل ۷۷ که میگوید <قراردادها باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند> وهرگز نگفته که کی وچه وقت و دراصل ۱۲۵ هم تکلیف امضای قرارداد را مشخص کرده که <امضای قرارداد ها وموافقتنامه ها پس ازتصویب مجلس با رئیس جمهوراست>.

بنابراین ازدو اصل مزبور این برداشت حقوقی بجاست:

۱- موافقت نامه ژنو هرزمان که به مجلس برود رعایت قانون شده است و زمان خاصی برای این تکلیف مقرر نشده است.

۲- باید بین آثارحقوقی تصمیم مجلس به رد توافقتنامه ویاقرارداد ویا درخواست اصلاحی توافقتنامه و یا اینکه اصلا توافقتنامه به مجلس ارائه نشود قائل به تفاوت شد ولی درهمه موارد بالا مسلم است که خودداری از ارائه ویا درخواست اصلاح موافقت نامه دلیل اینکه <توافقتنامه عهدنامه نیست> (ادعای کارشناس) بشمار نخواهد رفت، و آزادی عمل قوه مجریه در ارائه موافقتنامه به مجلس اجازه نمیدهد که موافقتنامه از وضعیت حقوقی مادام که بصورت صریح موافقتنامه از مجلس رد نشده آنرا بی اعتبارساخت.

۳- درتمام موارد مزبور، درنظام جمهوری اسلامی اصل مصلحت حکومت، حرف آخرامیزند.

**حاشیه** = هم امروز خبرگزاری ها اعلام کردند که از این پس هیئتی از نمایندگان مجلس و شخصیت های مسئول در قوه مجریه در مذاکرات ژنو مشارکت خواهند داشت. آیا این عمل بیسابقه (مذاکرات بین کشورها از وظایف قوه مجریه است نه قوه مقننه) برای این نیست که مشارکت قوه مقننه را در مذاکرات، جانشین اصل ۷۷ نمایند با توجه به اینکه آقای ظریف هم اصرار دارد که موافقتنامه تفاهم نامه نامیده شود چون در قانون اساسی جمهوری اسلامی اصول ۷۷ و ۱۲۵ نامی از تفاهم نامه نیامده، و آقای حداد عادل حقوقدان مجلس هم گفته که نیازی به ارائه موافقت نامه به مجلس نیست؟ (پایان حاشیه)

## **درک نیت کشورها بوسیله کارشناس**

اظهارات ایشان مبنی بر اینکه اصولا نیت کشورهای امضاکننده علی الخصوص ایران بر این است که توافق ژنویک توافق موقت و غیرالزام آور باشد

بسیار عجیب و خارج از حد یک اظهار نظر حقوقی است. چگونه آقای کارشناس به نیت کشورهای امضا کننده علی الخصوص ایران آگاه شده است؟

عبارت نیت کشورهای امضاکننده موافقتنامه علی الخصوص بر این است نشان میدهد که ایشان در این اظهار نظر، جمهوری اسلامی را نمایندگی میکند که از نیت جمهوری اسلامی از قبل از تنظیم موافقت نامه با خبر بوده است.

## **نقش اتحادیه اروپا**

کارشناس محترم به اعتبار اینکه اتحادیه اروپا کشور نیست و حضورش در موافقتنامه سبب تعهداتی له و یا علیه میشود و موافقتنامه را از شکل عهدنامه و شرائط عهدنامه ۱۹۶۹ خارج میسازد، این محمل رابه حساب بی اعتباری موافقتنامه ژنو آورده است.

بجا بود کارشناس ارشد حقوقی اتحادیه اروپا هنگامیکه اتحادیه خودش را داخل اختلافات آژانس اتمی با ایران ساخت و همراه کشورهای ۱+۵ وارد صحنه شدند اتحادیه اروپا را از مشارکت در وضعی که در صلاحیت او نبود منع میکرد نه اینکه اکنون که سالهاست که اتحادیه اروپا راسا در ماجرا دخالت دارد و حتی بارسنگین مذاکرات به دوش خانم اشتون نماینده اتحادیه اروپاست یادش بیفتند که اتحادیه اروپا نمیتواند طرف تعهد قرارگیرد؟ اتحادیه اروپا در تحمیل تحریمات ایران نقش روشن و برجسته ای داشته به آن تحمیلات ایراد حقوقی نبود و اکنون به برداشتن آن تحمیلات ایراد است؟